

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران



بررسی جنسیت و تغییر رویکردهای نوین در باستان‌شناسی

نسیبه همندی

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه بیرجند
nahamandi@gmail.com

چکیده

جنسیت به عنوان یک مولفه مهم اجتماعی از میانه دهه ۱۹۸۰ تحت تأثیر جنبش آزادی بخش زنان، باستان‌شناسی را با رویکردها و انگاره‌های جدید روبه‌رو کرد. عاملیت‌بخشی به نقش افراد و تغییر رویکردهای غلط در مورد گروه‌های محذوف جامعه همچون "زنان" از اهدافی بود که باستان‌شناسی جنسیت در راستای باستان‌شناسی فرفراآیندی از آغاز دغدغه آنرا دنبال می‌کرد. این مقاله در تلاش است با روشی تاریخی-توصیفی به بررسی جنسیت و تعاریف آن در باستان‌شناسی بپردازد. بیان چالش‌های ایجاد شده در رویکردهای گذشته در باستان‌شناسی از اهداف مهم مقاله فوق می‌باشد. ابزارگردآوری اطلاعات در مقاله به صورت کتابخانه‌ای برمبنای منابع و مقالات فارسی و لاتین منتشر شده در این زمینه می‌باشد. این منابع برای مسئله تأکید دارند که باستان‌شناسی-جنسیت از ورای داده‌های صامت گذشته برخی از دیدگاه‌ها و رویکردهای سنتی و تبعیض‌آمیز را به چالش کشیده‌است و با تنوع تفسیرهای جدید روایتی نو از گذشته عرضه داشته است.

کلید واژه: جنسیت، باستان‌شناسی، پست مدرن (فرفراآیندی)، جنبش زنان

KEY WORDS: Gender , Archeology, postmodernism, Feminism





مقدمه

در دهه ۱۹۷۰، جنسیت تحت تاثیر موج دوم فمینیسم و تحقیقات پژوهشگران در زمینه ریشه‌یابی ساختار مردسالار گذشته، پژوهش‌های باستان‌شناسی را با رویکردی جدید روبه‌رو کرد. (Sorensen: ۱۲:۲۰۰۵) گرچه جنسیت از دهه هفتاد به عنوان گفتمانی نو، در باستان‌شناسی شکل گرفت اما موج دوم فمینیسم تقریباً یک دهه صبر کرد تا موجب برسازای امواج متفکرانه در اعماق باستان‌شناسی گردید. این موج متفکرانه با کارهای تعداد کمی از باستان‌شناسان زن در اسکانداویجی، در زمینه‌ی نقش فعال زنان در پیش از تاریخ، آغاز گشت. با این وجود اولین مقاله‌ی انتقادی در زمینه‌ی مردم‌محوری در باستان‌شناسی تا سال ۱۹۸۴ منتشر نشد. در این مقاله باستان‌شناسان پیش از تاریخ آمریکا، مارگارت کونکی (Margaret Conkey) و ژانت اسپکتور (Janet Spector) مطرح کردند که باستان‌شناسی با استفاده از کلیشه‌های جنسیتی یک اسطوره‌شناسی جنسیتی را جاویدان ساخته است و با بهره‌گیری از کلیشه‌های جنسیتی معاصر، یک پیوستگی فرهنگی طولانی و ثابت از نقش‌های جنسیتی، که ذاتاً با کارکردهای بیولوژیکی وزیستی^۲ زنان مرتبط شده بود ایجاد کرده‌است (Gilchrist: ۲۲: ۱۹۹۹). همچنین ایشان با مثال‌های روشن نشان دادند که چگونه توجه به جنسیت و حذف دیدگاه‌های مردم‌محورانه، نتایج منتشر شده راجع به چندین محوطه تاریخی را بهبود بخشیده است. (Dommasnes: ۳۶۸: ۲۰۱۲)

مطالعات و پژوهش‌های آغازین باستان‌شناسان در زمینه جنسیت، از نابرابری عمومی و حقوقی زنان و کم‌رنگ نشان دادن، عاملیت^۳ زنان در گذشته و پژوهش‌های باستان‌شناسی انتقاد کرده. پژوهش‌های زنان و جنسیت، خواستار تغییرات بنیادی در فرضیات پایه در باستان‌شناسی شدند. همچنین باستان‌شناسان جنسیت برای اولین بار در پی نوسازی تعاریف و تفسیرها، در مورد داده‌ها و منابع مکتوب و اسناد باستانی گذشته برآمدند (Conkey & Gero: ۷: ۱۹۹۷). نظریه‌های جنسیت با دیدگاه‌های کم و بیش نقادانه با بسط و گسترش پژوهش‌های زنان، بینش‌های جدید را در ساختار مردگرایی گذشته در زمینه‌ی تحقیقات باستان‌شناختی عرضه کردند. امروزه تئوری‌ها و نظریه‌های جنسیت با فاصله گرفتن از رویکردهای آغازین خود (پژوهش در مورد زنان) و مطرح کردن رویکردهای نو در باستان‌شناسی دنیا، به منظور بالا بردن موضوعات تحقیق جدید و کسب دیدگاهی نو و هرمونتیک از داده‌ها و کسب اطلاعات جدید، به کار گرفته می‌شود. این در حالیست که با گذشت نیم قرن از مطالعات جنسیت در باستان‌شناسی جهان، این مطالعات

۱-Gender

۲-sex

۳-Agency



و مطالعات میان رشته‌ای این چنین، در باستان‌شناسی ایران برخلاف سایر کشورها بسیار محدود و انگشت‌شمار می‌باشند. ضرورت آشنایی با دیدگاه‌ها و چهارچوب‌های نظری جنسیت در مطالعه بقایای گذشته، به منزله بقایای رفتار انسان و عمل اجتماعی او و بیان تاثیر این دیدگاه‌ها و چهارچوب‌های نظری در تغییر و اصلاح رویکردها و دیدگاه‌های گذشته یکی از مهم‌ترین اهداف این مقاله می‌باشد. سوالات مقاله بر اساس اهداف مورد نظر تدوین شده است.

- ۱- نقش جنسیت به عنوان یک گفتمان نظری مدرن در تغییر رویکردهای نظری در باستان‌شناسی به چه میزان بوده است؟
- ۲- باستان‌شناسی جنسیت در طول روند مطالعاتی خود، کدام حوزه‌های مطالعاتی را در بر گرفته است؟

وجود بیش از چندصد کتاب، مجله و مقاله در زمینه جنسیت در باستان‌شناسی به زبان‌های مختلف دنیا نشان از پیشینه غنی این رویکرد در پژوهش‌های علمی دنیا می‌باشد. در خصوص پژوهش‌های انجام شده در زمینه مطالعات جنسیت در باستان‌شناسی ایران، می‌توان به پایان‌نامه دکتری، مقالات داخلی و خارجی دکتر لیلیا پاپلی‌یزدی و دکتر مریم‌دژم‌خوی اشاره کرد. مریم‌دژم‌خوی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه دکترای خود "فرآیند هویت‌یابی جنسیتی مورد مطالعاتی: خاندان شاهی ساسانی" به بررسی مسئله هویت جنسیتی مردان و نقش بدن در شکل‌گیری این فرایند، در دوره ساسانی پرداخته‌اند. این پایان‌نامه نخستین پژوهش با رویکردهای جنسیت در باستان‌شناسی ایران به شمار می‌رود. کمال‌الدین نیکنامی، محمدرضا سعیدی هرسینی و مریم‌دژم‌خوی (۱۳۹۰) در مقاله "در آمدی بر تاریخچه مطالعات زنان در باستان‌شناسی" به بررسی سیر تاریخی شکل‌گیری و تحول رویکردهای مطالعات زنان و جنسیت در دانش باستان‌شناسی پرداخته‌اند. کمبود منابع در زمینه باستان‌شناسی جنسیت و عدم آشنایی بسیاری از محققین با این قبیل رویکردهای نوین در باستان‌شناسی ضرورت، انجام این پژوهش می‌باشد.

جنسیت گفتمانی نو در باستان‌شناسی

پیشرفت‌های فکری و اقتصادی قرن نوزدهم به ویژه انقلاب صنعتی با کشاندن کار به خارج از خانه و دادن فراغت به زنان فرصت بیشتری را برای ایجاد رویکردهای جدید در مورد زنان فراهم کرد. در واقع بسیاری از متفکران بر این عقیده‌اند که به رسمیت شناخته شدن زنان به منزله یک گروه سرکوب شده اجتماعی، پیش شرط این تغییر نگرش بوده است (لگیت، ۳: ۱۳۹۲). اعتراضات علیه وضعیت سیاسی و اجتماعی زنان، باعث شد تا رویکردهای فمینیستی با انتقاد از ایدئولوژی‌ها و رویکردهای جنسیتی مغرضانه گذشته، در سه موج، گسترش یافته و بسیاری از علوم از جمله باستان‌شناسی را تحت تاثیر خود قرار دهد. گوناگونی تئوری‌های فمینیست در به دست آوردن بینش‌های جدید در زمینه‌ی گذشته‌ی جنسیتی انسان، نقش تعیین‌کننده‌ای داشت. محدودیت فرصت‌های حرفه‌ای برای زنان در سیستم‌های مردم‌محورانه باستان‌شناسی، با افزایش شمار فزاینده‌ی زنان باستان‌شناسی که می‌دیدند امکان دسترسی آنها به آموزش، اشتغال و ترفیع برابر با مردان هم رتبه‌شان وجود ندارد انتقادها از رویکردهای نظری و روش-شناختی باستان‌شناسی را به دنبال داشت. (رنفرو، ۳۳۳: ۱۳۹۰). این زنان در فرآیند تلاش برای درک موقعیت و جستجو برای پیدا کردن راه‌هایی برای ایجاد یکسان‌نگری در این موضوع و نحوه مورد غفلت واقع شدن زنان در جوامع گذشته یا کم اهمیت قلمداد شدن نقش ایشان در گزارش‌های باستان‌شناختی و سرجمع کردن ایشان با هم در یک گروه غیر متعارف، تلاش‌های بسیاری انجام دادند (Dommasnes: ۳۶۸: ۲۰۱۲).



Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science





تشکیل انجمن‌ها، کنفرانس‌ها و انتشار مقالات بر مبنای مباحث جنسیت از جمله اقدامات مهم در زمینه گسترش جنسیت و تغییر رویکردهای مرد محورانه در باستان‌شناسی بود. اولین گردهمایی‌های مرتبط با باستان‌شناسی جنسیت بر موضوع زنان تمرکز یافته بود. مجله (KAN) به عنوان اولین مجله تخصصی باستان‌شناسی جنسیت، در نروژ منتشر شد (همان: ۳۶۹).

با گسترش مطالعات باستان‌شناسی و افزایش رو به رشد کتب، مقالات و مجلات باستان‌شناسی در این زمینه، باستان‌شناسی جنسیت مشروعیت پدرسالاری را به دلیل تجسم یک پارچه‌ی کلیشه‌های دوتایی جنسیت مدرن در گذشته و توجیهات کم ارزش دانستن زنان به واسطه‌ی این ادعای بی‌پایه و اساس که زنان ذاتاً از نظر بیولوژیکی و زیستی پست‌تر و زیر دست بوده‌اند و در نتیجه حقیرتر از مردان می‌باشند را به نقد کشید و بر اهمیت تغییر این رویکرد، به ویژه در مطالعات و نظرات ارائه شده توسط باستان‌شناسان، تاکید کرد. این در حالی بود که بسیاری از رویکردهای بیان شده در مورد مردان و زنان در جوامع گذشته بدون توجه به رویکرد جنسیت، بر مبنای پیش‌داوری‌های بی‌پایه و اساس شکل گرفته بودند. به عنوان مثال کلارک در مطالعات خود از مکان‌های استقرار در عصر آهن بر یک تقسیم‌بندی اساسی در طرح اولیه استقرارها، بر مبنای تمایز بین خانه‌های مرکزی و بزرگ، در ارتباط با خانواده و عملکرد مردان و خانه‌های کوچکتر و حاشیه‌ای بر اساس علایق زنان معتقد بود. تحلیل او از الگویابی فضایی این دوره، بدون توجه به تمثیل‌های قوم‌نگارانه، مدارک و شواهد بافتی صورت گرفته بود. ادعای وی در مورد تقسیمات جنسیتی خانه‌ها، کاملاً به صورت ترکیبی بر اساس فرضیاتش در مورد پیوند طبیعی زنان با کار در خانه بیان شده بود. این چنین روایت‌هایی غالباً وانمود می‌کردند که فعالیت‌های زنان به خانه‌داری، محدود شده‌است. این در حالی بود که بیشتر این رویکردها، بر اساس معیارهای جامعه مدرن شکل گرفته بودند.

۱-Kvinner in Archeolog in Norge



به خاطر کوتاهی در توجه به نقش‌های جنسیتی به طور واضح در کار کلارک و بسیاری از تحلیل‌های مشابه با رویکرد غیر جنسیتی توسط سایر باستان‌شناسان، یک درک جنسیتی غلط در مورد تقسیم کار جنسیتی شکل گرفت. نیروی کار زن‌اندر ارتباط با ویژگی‌های زیستی ایشان، طبیعی و بی‌ارزش قلمداد شد (Gilchrist: ۲۵: ۱۹۹۹).

جنسیت تفاوتی زیستی یا فرهنگی

اولین پژوهش‌های جنسیت در تمامی علوم به ویژه باستان‌شناسی از منظر تئوریک تحت تاثیر موج اول فمینیسم، با الهام از مطالعات جنس‌شناسی^۱ شکل گرفت (همان: ۲۴). مطالعات جنسیت بر مبنای جنس‌شناسی بر نقش ویژگی‌هایی زیستی و جنسی افراد در شکل‌دهی به نقش‌ها و جایگاه اجتماعی افراد و گروه‌ها تاکید نمود. بسیاری از پژوهشگران معتقد بودند؛ تفاوت‌های زیست‌شناختی قرن‌ها به عنوان نقطه شروع و توجیه خلق نقش‌ها و الگوهای مختلف اجتماعی برای زنان و مردان به کار برده شده است. بدین ترتیب بسیاری از تبعیض‌های جنسی اشاعه‌یافته در جامعه به ویژه نسبت به زنان، بر مبنای این رویکرد توجیه شده است (واترز، همکاران، ۱۳۸۴: ۷۴). در نظر پژوهشگران تفوق نظام‌های پدرسالار و تقسیم کار جنسی بر مبنای ویژگی‌های بیولوژیک افراد به مثابه قانونی جهانشمول شکل غالب تمام جوامع گذشته به شمار می‌رفته است (گرت، ۱۳۹۱: ۴۵). ظرفیت زیست‌شناختی زنان برای زایمان و شیردادن از پستان و قدرت جسمانی کمتر زنان نسبت به مردان، تعیین‌کننده تقسیم کار جنسی و نقش اجتماعی زنان، در خانه تصور می‌شد. علاوه بر آن چنین ادعا می‌شد که این تفاوت‌های زیست‌شناختی، زنان را از مشارکت در حوزه عمومی ناتوان می‌کنند (فریدمن: ۲۳: ۱۳۸۶). فاصله گرفتن زنان از تولید مادی، آنها را طبعاً از مالکیت ابزارهای تولیدی و امتیازات خاص آن نیز محروم می‌ساخت و ایشان را در موقعیت زیر سلطه‌ای نسبت به مردان قرار می‌داد (فکوهی، ۱۳۸۸: ۲۳۸).

در ابتدا باستان‌شناسی جنسیت، در مورد عدم تساوی حقوق عمومی زنان در گذشته، از فرافکنی پدرسالاری در گذشته، انتقاد کرد. به رسمیت شناخته شدن مردان به عنوان اسطوره شکارگری، که توسط انسان‌شناسان و باستان‌شناسان مرد تعریف شده بود مورد انتقاد این گروه واقع شد. این در حالی بود که برخی از انسان‌شناسان به ویژه پژوهشگران زن، اولین کسانی بودند که مدارک قوم-نگارانه‌ای که در آن زنان می‌توانستند عاملیت اجتماعی خود را برای شکارگر بودن مانند مردان به کار ببرند، یافتند. باستان‌شناسان جنسیت، به تحلیل‌هایی که معتقد بودند این تنها مردان هستند که توانسته‌اند به خاطر ویژگی‌های

^۱-sexolog



زیستی خویش، پست‌های مدیریتی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی را در گذشته به دست آورند انتقاد کردند. نلسون با ارائه مدارکی مستند و باستان‌شناسانه از شمن‌ها و مدیران زن در آسیای شرقی، التزام به مردگرایی را در تحلیل‌های گذشته به چالش کشید (Spencer, & Suzanne: ۱۲:۲۰۱۱). همچنین مطالعات جنسیت بسیاری از فرضیات از جمله فرضیه‌های عمومی، که تنها مبارزان مذکر با شمشیرها، سرپیکان‌ها و چاقوها و تاجران مرد با وزنه و مقیاس‌های اندازه‌گیری دفن شده‌اند را رد کرد. تدفین‌های جنسیتی نشان داد که در برخی جوامع، مبارزان زن با اسلحه‌های متداول زمانه‌ی خود دفن شده‌اند، مانند ملکه‌ی جنگجوی ایرلندی. بسیاری از رهبران که پیش از این تصور می‌رفت که مرد باشند، به عنوان زن شناخته شدند. از این گذشته تدفین‌های زنان در اسکاندیناوی که همراه با وزنه و مقیاس‌های اندازه‌گیری بودند زنان را در هیبت بازرگان و تاجر تعیین هویت کرد. مطالعات نلسون نیز نشان داد که در برخی از قبایل بومی آمریکا، زنان به مقام شمنی رسیده‌اند. شمن‌های زن، کسانی بودند که در پیشرفت ایالت‌ها، نقش مهمی داشتند. (Spencer & Suzanne: ۱۴:۲۰۱۱). این مطالعات نشان داد که برخی از زنان در گذشته تساوی را به واسطه‌ی موقعیت‌های مدیریتی عالی در برابر حرفه‌های عمومی معمولی، به دست آورده‌اند (Nelson: ۱۳۱:۱۹۹۷). به عنوان مثال نمونه‌های زیادی از مدیریت زنان در گذشته از ملکه‌های فرعون مصری، کلئوپاترا و همچنین زنان بومی آمریکایی کسانی که در قبایلشان مدیر بودند ادعای محدودیت و سرکوبی زنان بر مبنای ویژگی‌های زیستی را دچار تردید کرد (Spencer & Suzanne: ۱۲:۲۰۱۱).

مطالعات و بررسی‌های انجام شده توسط باستان‌شناسان جنسیت تا امروز و اثبات وجود تنوع در الگوهای جنسیتی گذشته، نشان داد که نمی‌توان ویژگی‌های جنسی را به عنوان یک قانون ثابت و جهانشمول مبنایی کلی در عدم تساوی عمومی و تقسیم کار اجتماعی زنان و مردان در جامعه و در نهایت تفسیر و تحلیل جوامع گذشته، به کار گرفت. بلکه باید آنرا در تعاریف اجتماعی و فرهنگی جوامع از تفاوت‌ها، میان زنان و مردان جستجو کرد. سیمون دوبوار بیان می‌کند: «(گرچه تفاوت‌های زیستی بین زنان و مردان وجود دارد، اما آنچه مهم‌تر به نظر می‌رسد شیوه تفسیر جامعه از این مسئله می‌باشد که افراد در مقام موجودات اجتماعی چه ارزشی برای این تفاوت‌ها قائل می‌شوند)». او همچنین معتقد بود: «(زن بودن، فرآیندی تاریخی و فرهنگی است نه زیست-شناسانه، زنان به طور فطری، واقعیتی از پیش تعیین یافته ندارند و به همین دلیل محدودیتی بر آنچه ممکن است بشوند در کار نیست)» (دوبوار، ۵۲:۱۳۸۰).

جنسیت گفتمانی سیال، شکل گرفته از فرهنگ

با گسترش مطالعات، دومین موج مطالعات باستان‌شناسی جنسیت، بر مفهوم جنسیت به عنوان مجموعه‌ای از انتظارات و ارزش‌های اجتماعی وضع شده در هر جامعه برای زنان و مردان، و رای تفاوت‌های زیستی تأکید کرد (Gilchrist: ۱۹۹۹). طبق این رویکرد، جنسیت به عنوان یک برساخته اجتماعی و فرهنگی قلمداد شد که بر بدن‌های جنسی ضمیمه شده‌است. گفتمان اجتماعی جنسیت، تأکید بر این مسئله داشت که تعریف زنانگی و مردانگی در جامعه، محصول ویژگی‌های جبری طبیعت و تفاوت‌ها زیستی ایشان نمی‌باشد بلکه این شیوه‌ی تعبیر اجتماعی و فرهنگی این تفاوت‌هاست، که این دو مفهوم را به یک برساخته اجتماعی بدل می‌کند (آبوت و همکاران، ۲۶:۱۳۹۳). جامعه با ساختن انتظارات معین از زنان و مردان، آنان را به ایفای نقش‌های متمایز سوق می‌دهد.

Sponsored and indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



در واقع جنسیت، عامل هویت بخش فرد به عنوان یک مرد یا یک زن بوده و عاملیت زنانه را از عاملیت مردانه تمایز می‌بخشد. در این گفتمان، جنس بیولوژیک و زیستی به عنوان یک مفهوم ثابت بدون تغییر تعریف شده‌است و جنسیت به عنوان فرآورده فرهنگی، مفهومی سیال و پویا قلمداد شده است که باگذشت زمان ساخته می‌شود و در یک فضای بیرونی از طریق تکرار سبک-وارکنش‌ها بنا می‌شود (نیکنامی، دیگران، ۱۲: ۱۳۹۱).

مطالعات مردم‌شناسی و انسان‌شناسی، بر ساخته بودن مفهوم جنسیت را بیش از پیش اثبات کردند. در حوزه مردم‌شناسی به مطالعات مارگارت مید و روث بندیکت می‌توان اشاره کرد که با زیر سوال بردن استیلای مذکر، ثابت کردند که اجتماعی کردن نقش مهمی در تصویری که هر کس از تعلق جنسیتی خود و رفتارهایی که در نتیجه آن انتظار می‌رود، دارد. (ریویو: ۱۳۷: ۱۳۸۶) به عنوان مثال مید، ابعاد زیست‌شناختی و فرهنگی را، در سه اجتماع قبیله‌ای، در گینه نو مورد بررسی قرارداد. در این پژوهش روشن شد، زنان و مردان از الگوهای ثابت جنسیتی در تقسیم کار و الگوهای رفتاری بهره نبرده‌اند. (کوزرو و همکاران، ۲۹۶: ۱۳۸۳)

پژوهش‌ها و مطالعات باستان‌شناسی جنسیت، با انتقاد از وضعیت جایگاه طبقه دومی زنان در ساختار پدرسالار گذشته، منجر به شکل‌گیری تحلیل‌های جنسیتی جدید، با تاکید بر اهمیت اقتصادی کار خانگی زنان در جوامع پیش از تاریخ شد و نشان داد که تعریف هر یک از جوامع، از ویژگی‌های جنسیتی با دیگری متفاوت می‌باشد. باستان‌شناسان در زمینه‌ی تولیدات عمومی و خصوصی به صورت نمادین در باورها و اعتقادات مذهبی جوامع به پژوهش‌های دست زدند. برای مثال، بررسی در مورد اهمیت تولیدات خانگی زنان در قبایل سرخپوست آرتک نشان داد که زنان در زایمان و بافندگی در مقامی مشابه با مردان جنگجو قرار دارند (Spencer & Suzanne: ۱۴: ۲۰۱۱).

در ایران توجه به رویکرد جنسیت در پژوهش‌ها به ویژه پژوهش‌های باستان‌شناسی گرچه بسیار کم‌رنگ می‌باشد اما همین - پژوهش‌های جنسیتی اندک نشان از تنوع نظام جنسیت، در ادوار مختلف از گذشته تا امروز می‌باشد. قومیت‌ها و قبایل ایرانی چون ترک، لر، کرد، عرب، بلوچ، فارس و... با فرهنگ و سنت‌های متفاوت، می‌توانند تعاریف متفاوتی از جنسیت و الگوهای جنسیت را تجربه کنند. تفاوت در سنت‌های ازدواج، جهیزه و حدود روابط جنسی زنان و مردان در میان قومیت‌های مختلف ایرانی تنوع در الگوهای جنسیت را به عنوان گفتمانی فرهنگی، نمایش می‌دهد. به عنوان مثال تاکید بر ازدواج با وابستگان نزدیک پدری (ازدواج دختر عمو با پسر عمو) و رسم ختنه دختران به عنوان بخشی از الگوی جنسیت زنان در برخی از قبایل، در غرب ایران به شکل نسبتاً محدود هنوز در حال انجام شدن است.

بررسی‌های باستان‌شناسی در ادوار گذشته ایران، الگوهای جنسیتی متفاوتی از زنان و مردان را نشان می‌دهد. اسناد و شواهد باستانی مرتبط با دوره هخامنشی، زنان را در پست‌های اقتصادی چون مدیران گارگاه‌های بزرگ با حقوق و مزایایی بیشتر از مردان نشان می‌دهد. مهرهای ملکه‌ها و اسناد مرتبط با ایشان در دوره هخامنشی، مجسمه و تندیس‌های بزرگ از زنان در تمدن ایلام و اشکانی و ماهیت مردم‌محورانه داده‌ها در دوره ساسانی تنوع در نظام جنسیت را تاکید می‌کنند. مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته، با استناد به مدارک و شواهد باستانی عصر مغول و تیموری در ایران، مشخص‌کننده تغییرات، در الگوهای جنسیت زنان در این دوره می‌باشد به گونه‌ای که زنان درباری در برخی از عملکردهای اجتماعی همچون بانی، در ساخت بناهای عام المنفعه و برگزاری ضیافت‌های شخصی چون استقبال از سفرای کشورهای دیگر و... نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

Sponsored and indexed by
CIVILICA
We Respect the Science



موج سوم جنسیت و گسترش حوزه‌های مطالعاتی

معرفی شدن جنسیت به عنوان برساخته‌ای فرهنگی، بیشترین تاثیر را در مطالعات باستان‌شناسی جنسیت گذاشت. گسترش نظریه‌های موج سوم فمینیست در اواخر قرن بیستم میلادی، متأثر از چهارچوب‌های نظری پست مدرن و اندیشه پساساختارگرایانی چون فوکو و باتلر، مطالعات جنسیت را وارد فاز جدیدی از رویکردهای نظری خود کرد. در این رویکرد جدید، بدن (جنس) به عنوان یک کانون مهم هویتی در کنار جنسیت به عنوان گفتمانی فرهنگی در شکل‌دهی به هویت جنسیتی^۱ افراد مهم تلقی شد. نظریه موج سوم جنسیت رویکردهای جدیدی در مورد تنوع و گوناگونی جنسیت، ایدئولوژی‌ها و جهت‌گیری‌های جنسیتی، هویت‌های جنسیتی، نقش‌های جنسیتی^۲، ارتباط قدرت با جنسیت یا سکشوالیته^۳ با طبقه، نژاد و غیره را مورد توجه قرار داد.

۱-Gender identity

۲-Gender roles

۳-sexuality



گسترش چارچوب‌های نظری جدید باعث شد باستان‌شناسی جنسیت در این دوره حوزه مطالعاتی خود را بیشتر از گذشته گسترش دهد و به موضوعات و رویکردهای نوین از جمله مطالعات در مورد سایر گروه‌های جنسیتی، باستان‌شناسی دوران کودکی، باستان‌شناسی وابسته به امور جنسی و تمرکز روی بدن بپردازد (رنفریو، ۲۰۱۲: ۱۳۹۰).

جودیت باتلر و میشل فوکو در تحول مفهوم جنسیت در این دوره نقش بسزایی داشتند. فوکو بر نقش ساختارهای فرهنگی هویت، که به طور مادی در بدن‌ها و رفتارهای جسمانی افراد نمود یافته است در گسترش تئوری جنسیت و سکشوالیته تأکید کرد. باتلر با طرح تئوری کوئیر^۱ (عجیب و نامتعارف) تحولی جدید در مطالعات جنسیت پی افکند. باتلر در نظریه کوئیر به شکلهای نامتعارف هویت جنسی و افراد و گروه‌های با ویژگی‌های جنسی نامتعارف پرداخت (Voss: ۲۰۰۴: ۶۳). تئوری باتلر به طور وسیعی در باستان‌شناسی پیش از تاریخی و باستان‌شناسی تاریخی به کار گرفته شده. باتلر جنسیت را مفهومی سیال می‌داند و معتقد بود؛ که جنس بدون جنسیت، وجود نداشته است و مفهوم جنس نیز مانند جنسیت، پیشینه‌ای گفتمانی و فرهنگی دارد، تعریف جنسیت به عنوان تفسیر فرهنگی جنس هیچ معنایی ندارد. به عبارت ساده‌تر، جنسیت ابزاری فرهنگی/گفتمانی است که بوسیله آن "طبیعت، جنسی شده" یا "جنس، طبیعی قلمداد شده" است. همچون امری پیشاگفتمانی یا پیشافرنگی، یا سطحی از نظر سیاسی، خنثی که بر روی آن فرهنگ عمل می‌کند (باتلر، ۱۳۸۵: ۵۲). او همچنین مطرح می‌کند که هویت‌های جنسی و جنسیتی، اجراگری‌ها^۲ یا نمایش‌های هستند که از طریق تکرار مداوم رفتارهای جنسی توسط افراد معنا پیدا می‌کند (Gilchris: ۱۹۹۹: ۲۸). بدین معنی که افراد از طریق تکرار مداوم این الگوها و نقش‌های جنسیتی که جامعه برای آنها تعریف می‌کند الگوها و نقش‌ها را در خود درونی می‌کنند و آنرا به بخشی بنیادین ولاینفک از هویت و شخصیت خویش تبدیل می‌کنند. افراد با جنسیتی شدن و با پیروی از استانداردهای قابل تشخیص فهم‌پذیر جنسیت، فهم‌پذیر می‌شوند (کوزر و همکاران: ۱۳۸۳: ۶۱).

افراد هویت خود را در شخصی‌ترین حالت بر بدن خویش (ویژگی‌های ظاهری و پوشش) تجربه می‌کنند. در این میان جنسیت یک مولفه اصلی در تعریف هویت افراد است هرچند نقش و میزان دخالت و اهمیت آن در ساخت هویت افراد، در جوامع، فرهنگ‌ها و دوره‌های زمانی مختلف یکسان نبوده است (دژم‌خوی، ۱۳۸۹: ۱۴).

۱-Queer



Sponsored and indexed by
CIVILICA
We Respect the Science





۲-Performance

مطالعات موج سوم جنسیت نشان می‌دهد در بسیاری از جوامع، افراد در یک طبقه‌بندی منظم با مجموعه‌ای از برجسب‌های تعیین شده قرار دارند. این تقسیم‌بندی افراد را در دو گروه جنسیتی زن یا مرد هویت می‌بخشد این در حالیست که در شواهد و مدارک باستانی برخی از گروه‌های جنسیتی مانند خواجهگان هویت جنسیتی خویش را به ویژه هویت بدن خود را در هاله‌ای از ابهام برای دیگران و حتی خود درک می‌کنند. این هویت جنسیتی سیال تعریف شده برای این گروه، الگوهای جنسیتی خاصی را نیز به دنبال دارد از جمله این الگوهای جنسیتی، محرومیت از ازدواج و نداشتن روابط جنسی مشخص می‌باشد. (۲۰۱۲: PapoliYazdi & Dezhamkhooy)

مطالعات باستان‌شناسان با رویکرد جنسیت، بر روی زنان راهبه قرون وسطا در اروپا نشان داد که بدن، محرومیت‌های جنسی و ساختارهای فرهنگی در شکل‌دهی به هویت جنسیتی این گروه اجتماعی نقش تاثیرگذاری را ایفا کرده است. ساختارهای مذهبی و پزشکی قرون وسطا بر ویژگی‌های ذاتی بدن زن همچون طبیعت سرد و مرطوب او در غلبه بر گناه، اینچنین تاکید می‌کردند که طبیعت مرطوب، جسمانی و شهوانی زنان در تضاد با روحانیت منطقی و عقلانی مردان است. بنابراین زنان راهبه با طرد بدن زنانه خود تلاش می‌کردند بیش از پیش خود را با هنجارهای تعریف شده توسط این ساختارها در مورد بدن و هویت زنانه، نزدیک کنند (۱۹۹۱: Gilchris).

اهمیت مسئله بدن در مورد هویت جنسیتی گروه‌های چون صوفیان نیز قابل تاکید و بررسی است. این گروه با سرکوب تمایلات جنسی که در چارچوب دگرجنس‌خواهی^۱ (ارتباط با زنان) یا طرد بدن زنانه تعریف شده است، همچنین با طرد بدن خویشتن از جمله ریاضیت‌های طولانی مدت، تحمل گرسنگی، تشنگی و شکل‌دهی به بدن‌های خود در غالب پوشش و آرایش خاص، در حال هویت بخشیدن به خود هستند.

رویکردهای نظری جنسیت بر این مسئله تاکید می‌کنند که افراد مختلف با وجود جنس واحد، در طبقات، نژادها و گروه‌های سنی مختلف، تجارب متفاوتی از بدن خود دارند. نظام جنسیت به عنوان یک اصل مهم در ایجاد تمایزات اجتماعی می‌تواند تاثیرگذار باشد.

۱-heterosexuality



نتیجه گیری

جنسیت، به عنوان یک اندیشه و رویکرد نظری پست مدرن در باستان شناسی، به دنبال آن است تا نشان دهد، آنچه دیگران آن را یک واحد، یک وجود یا مفهوم منفرد و تام می‌پندارند، یک کثرت است. این تا حدودی انعکاسی است از ساختارگرایی، که عناصر فرهنگی، کلمات، معانی، تجربه‌ها، خودهای انسانی را ساخته‌ی روابط با عناصر دیگر می‌داند. چنین روابطی ناچار متکثراند. انسان به عنوان موجودی با هویت فردی و اجتماعی نیز متکثر است. از این رو هیچ تحلیلی از هیچ چیز نمی‌تواند کامل و نهایی باشد و می‌توان آنرا به شکل‌های مختلف، تفسیر کرد. این رویکرد تکثر و تنوع در تفسیر داده‌ها در نهایت نگاهی متفاوت به داده‌ها را به همراه داشت. رویکرد نظری جنسیت نشان داد که انسان در دنیایی از ساختارها معنادار و هدفمند متولد می‌شود این ساختارها به افراد اجازه عمل می‌دهند و در همان حال اعمال فردی، این ساختارها و روابط اجتماعی را تقویت می‌کند و به آنها تداوم می‌بخشد. این رویکرد بیش از پیش، باستان‌شناسان را از ارائه پیش فرض‌های جنسیتی جامعه مدرن همچین صدور قوانین جهانشمول و ثابت جنسیتی به تمامی جوامع و فرهنگ‌های گذشته بر حذر کرد. توجه به رویکردهای نظری فمینیسم، مطالعات زنان، انتقاد از عدم تساوی جنسیتی و عدم تقسیم کار جنسیتی زنان و مردان در گذشته، تاثیر ساختار مردسالار گذشته در تعریف الگوهای جنسیتی جوامع از مهم‌ترین حوزه‌های بود که باستان شناسی جنسیت در نخستین رویکردهای نظری خویش آنرا دنبال می‌کرد. گسترش چارچوب‌های نظری باستان‌شناسی جنسیت و تاثیر مباحث فلسفی و اجتماعی، بسط و گسترش حوزه‌های مطالعاتی در این علم را به همراه داشت. به طوریکه امروزه تنوع و گوناگونی جنسیتی، هویت‌های جنسیتی و بررسی نقش بدن در شکل‌دهی به هویت جنسیتی، بررسی باستان‌شناسی کودکان، بررسی نقش بدن در تعیین هویت سالمندان و بررسی روابط جنسی، ارتباط قدرت با جنسیت، سکشوالیته، طبقه، نژاد و غیره از جمله حوزه‌های مهم مطالعاتی در باستان‌شناسی جنسیت محسوب می‌شوند.



منابع و ماخذ

- آبوت، پاملا و همکاران (۱۳۹۳) جامعه شناسی زنان، ترجمه منیژه نجم عراقی، چاپ یازدهم، تهران: نشرنی
- باتلر، جودیت (۱۳۸۵) آشفتگی جنسیتی، امین قضایی، تهران: نشر مجله شعر
- دژم خوی، مریم (۱۳۸۹) فرآیند هویت یابی جنسی مورد مطالعاتی خاندان شاهی ساسانی، پایان نامه دکتری، اسفند دانشگاه تهران
- دوبوار، سیمون (۱۳۸۰) جنس دوم، ترجمه قاسم صفوی، جلد اول، تهران: انتشارات توس
- رنفرو، کالین و همکاران (۱۳۹۰) مفاهیم بنیادی در باستان شناسی، ترجمه فرج اکبرپور و سمیه عدیلی، تهران: انتشارات سمیرا
- ریویو، کلود (۱۳۸۶) انسان شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی. چاپ سوم، تهران: نشرنی
- فریدمن، جین (۱۳۸۶) فمینیسم، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: انتشارات آشیان
- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۸) تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی، چاپ ششم، تهران: نشر نی
- گرت، استفانی، (۱۳۹۱) جامعه شناسی جنسیت، کتابیون بقایی، تهران: نشر دیگر
- لگیت، مارلین، (۱۳۹۱) زنان در روزگارشان، ترجمه نیلوفر مهدیان، تهران: نشرنی
- نیکنمی، کمال الدین و همکاران، (۱۳۹۰) درآمدی بر تاریخچه مطالعات زنان در باستان شناسی، زن در فرهنگ و هنر، بهار، دوره دوم - شماره سوم صفحه ۵- ۱۸
- کوزر، لوئیس و همکاران، (۱۳۸۳) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات علمی
- Conkey, M. W., & Gero, J. ۱۹۹۷. Programme to practice: gender and feminism in archaeology.. Annual review of anthropology, ۲۶, ۴۱۱-۴۳۸.
- Dezhankhooy, M. & Papoli Yazdi, L. ۲۰۱۲. " Breaking the Borders/Violating the Norms: An Archaeological Survey of an Intersex in a Traditional Society, Bam." in *Sexuality & Culture, An Interdisciplinary Quarterly*
- Dommasnes, L.H. & Subiassm., 2012. "European Gender Archaeologies in Historical Perspective." In: *European Journal of Archaeology* ۱۵ (۳), PP: ۳۶۷-۳۹۱.
- Gilchrist, R. ۱۹۹۱. Women's Archaeology? Political Feminism, Gender Theory and Historical Revision. *Antiquity* ۶۵, ۴۹۵-۵۰۱.
- ----- ۱۹۹۹, "Gender & Archaeology", Rutledge, London & New York.
- -----, ۲۰۰۴, "Archaeology & The life course: A time & age for gender", in: A companion to social Archaeology, Ed. By R. Prucel & L. Meskell, pp: ۱۴۲-۱۵۸.





- Nelson, S., ۱۹۹۷, "Gender Archaeology" in: Archaeology: The key concepts, Ed. By C.,Renfrew& P., Bahn, Rutledge, London &New York.
- Sorensen, M., ۲۰۰۵, "Feminist Archaeology", in: Archaeology: The key concepts, ed. By C.,Renfrew& P., Bahn, Rutledge, London &New York.
- Spencer, Wood, Suzanne M., ۲۰۱۱, "Introduction: Feminist Theories and Archaeology" in: Archaeologies: Journal of the World Archaeological Congress
- Voss, B.L., ۲۰۰۴, "Sexual subjects: identity & taxonomy in archaeological research" in: The archaeology of pluring & changing identities, Ed. By E. Casella & C. Fowler, Springer, pp.: ۵۵-۷۱.



SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران